



حرم امام خمینی (ره)

## بهشت زهرا

روز پنجشنبه بود. آقای هاشمی گفت: «حالا که به تهران آمده‌ایم، خوب است امروز به بهشت زهرا برویم و مرقد پاک امام خمینی و مزار شهیدان انقلاب و جنگ تحمیلی را زیارت کنیم.»

ساعت پنج بعدازظهر به بهشت زهرا رسیدند. حرم امام خمینی با شکوه بود و جمعیت زیادی برای زیارت به آن جا آمده بودند. اشک در چشم همه حلقه زده بود. آقای هاشمی گفت: «افسوس که امام دیگر در میان ما نیستند ولی ما خوش حالیم که مردم ایران، راه امام خمینی را به رهبری آیت الله خامنه‌ای ادامه می‌دهند.»

جواد آقا گفت: «من هر وقت به زیارت مرقد امام خمینی می‌آیم، به یاد روز دوازدهم بهمن سال ۱۳۵۷ می‌افتم. آن روز، امام پس از پانزده سال دوری از وطن، به ایران بازگشتند

و ابتدا به بهشت زهرا رفتند و در آن جا برای مردم سخن رانی کردند. امام از مردم خواستند تا رسیدن به پیروزی کامل به مبارزه ادامه دهند. بعد هم برای شادی روح شهیدان دعا کردند و فاتحه خواندند.»

طیبه خانم گفت: «من هم هرگز آن روز را فراموش نمی کنم. چه جمعیت زیادی به استقبال امام آمده بودند!»

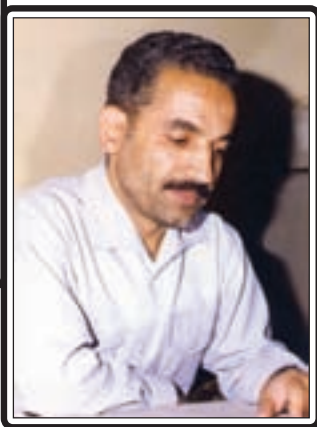
بعد از زیارت مرقد امام خمینی، همگی به زیارت مزار شهیدان رفتند و فاتحه خواندند. بر بالای مزار بسیاری از شهیدان، پرچم جمهوری اسلامی ایران برافراشته بود. عکس بسیاری از برادران پاسدار و بسیجی و ارتشی که برای دفاع از انقلاب اسلامی جان خود را فدا کرده بودند، در آن جا به چشم می خورد. طاهره خانم گفت: «بیایید با امام خمینی و شهیدان پیمان ببندیم که از اسلام و جمهوری اسلامی ایران حمایت کنیم.» در قسمتی از مزار شهیدان، جمعیت زیادی دیده می شد. علی پرسید: «آن جا کجاست؟»



شهید حجة الاسلام دکتر باهر



شهید آیت الله دکتر بهشتی



شهید رجایی

جواد آقا گفت : «آن جا مزار شهید مظلوم، آیت الله بهشتی و هفتاد و دو تن از یاران اوست. مزار رئیس جمهور شهید، رجایی و نخست وزیر شهید، دکتر باهنر هم آن جاست.» همه به آن جا رفتند و فاتحه خواندند. عده‌ای از دانش‌آموزان هم با مربیان خود به بهشت زهرا آمده بودند.

خانواده‌ی هاشمی، پس از آن، به زیارت مزار آیت الله طالقانی و شهید دکتر چمران رفتند و کمی پس از غروب آفتاب، بهشت زهرا را ترک کردند. باد خنکی می‌وزید و صدای قرآن از دور به گوش می‌رسید. در راه برگشت، علی و مریم مرقد امام را که در تاریکی شب نورانی بود، تماشا می‌کردند. آن‌ها با خود فکر می‌کردند که چگونه می‌توان راه امام خمینی را ادامه داد.



شهید دکتر چمران



مرحوم آیت الله طالقانی



## پرسش‌ها

- ۱- امام خمینی، در چه روزی به وطن بازگشتند؟
- ۲- وقتی امام خمینی به ایران بازگشتند، از فرودگاه به کجا رفتند و چه کردند؟
- ۳- طاهره خانم بر سر مزار شهیدان چه گفت؟
- ۴- شهیدان ارتشی و بسیجی و پاسدار، جان خود را در چه راهی فدا کرده‌اند؟



## فعالیت در کلاس

- ۱- مردم در روزی که امام خمینی به وطن بازگشتند، چه کردند؟ از بزرگ‌ترها پرس و جو کنید.
- ۲- به نظر شما، چگونه می‌توان راه امام خمینی را ادامه داد؟ در این باره گفت و گو کنید.
- ۳- اگر مدرسه، خیابان یا کوچه‌ای در محلّ زندگی شما به نام یک شهید نام‌گذاری شده است، درباره‌ی این شهید از بزرگ‌ترها پرس و جو کنید و نتیجه را به کلاس بگویید.



## نماز جمعه‌ی تهران

صبح روز جمعه، جواد آقا گفت: «امروز به نماز جمعه می‌رویم.» آقای هاشمی

گفت: «شنیده‌ام که نماز جمعه‌ی تهران خیلی باشکوه است.»

وقتی آن‌ها به محل برگزاری نماز جمعه رسیدند، مردم را دیدند که در کنار هم و در صف‌های منظم، ساکت نشسته بودند.



نزدیک ظهر، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، به خواندن خطبه‌های نماز جمعه مشغول شدند.

آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «اکنون که امام خمینی دیگر در میان ما نیستند، ما باید فکر امام و راه امام را بیشتر و بهتر بشناسیم و با سخنان امام، راه آینده‌ی خود را

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

روشن سازیم. امام خمینی حکومت ظالم شاه را در ایران شکست دادند و انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند. ما باید با ایمان به خدا و اتحاد با یک دیگر، از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم. دشمنان ما دوست ندارند ایران پیشرفت کند. ما باید بیدار و آگاه باشیم و کشور خود را با تلاش و کوشش بسازیم و آباد کنیم. دانش آموزان هم امیدهای آینده کشور هستند. آن‌ها باید خوب درس بخوانند تا در آینده برای جمهوری اسلامی ایران مفید باشند.»

وقتی نماز به پایان رسید، مردم در حالی که شعار می‌دادند، از هر طرف به سوی خانه‌های خود به راه افتادند.

شب، وقتی همه در خانه بودند، تلویزیون مراسم نماز جمعه را نشان داد.



### پرسش‌ها

- ۱- هم‌اکنون رهبر انقلاب اسلامی ایران چه کسی است؟
- ۲- آیت‌الله خامنه‌ای، درباره‌ی امام خمینی چه فرمودند؟
- ۳- سخن رهبر انقلاب اسلامی درباره‌ی دانش‌آموزان چه بود؟



### فعالیت در کلاس

- ۱- اگر در شهر یا روستای شما نماز جمعه برگزار می‌شود، نام محل برگزاری آن را بنویسید.
- ۲- چگونه و از چه راه‌هایی می‌توانید در آینده به کشورتان خدمت کنید؟ در کلاس در این باره گفت‌وگو کنید.
- ۳- منظور از خطبه در نماز جمعه چیست؟ از بزرگ‌ترها پرس و جو کنید.

## بازدید از موزه‌ی سعدآباد

عصر روز جمعه، طَیبه خانم گفت: «چه‌طور است امروز به موزه‌ی سعدآباد برویم؟»  
علی پرسید: «موزه چگونه جایی است؟» آقای هاشمی جواب داد: «یکی از مکان‌هایی که می‌توانیم در آن‌جا چیزهای زیادی درباره‌ی کشور ایران و گذشته‌ی آن یاد بگیریم، موزه است. در موزه اشیاء با ارزش و قدیمی نگهداری می‌شود.» طَیبه خانم گفت: «در تهران و بعضی از شهرهای بزرگ موزه‌های زیادی وجود دارد.»

همگی به راه افتادند و پس از ساعتی به سعدآباد رسیدند. سعدآباد باغ بسیار بزرگی است که در شمال تهران و در پای کوه‌های شمیران قرار دارد. رودی که از کوه‌های شمیران سرازیر می‌شود، از وسط باغ می‌گذرد. هوای این منطقه حتی در تابستان‌ها خنک است.



کاخ سبز — موزه‌ی سعدآباد — تهران



یک نفر راهنما با مردمی که به بازدید موزه آمده بودند، همراه می‌شد و درباره‌ی آنچه در موزه بود، توضیح می‌داد.

او می‌گفت: «در این باغ هجده کاخ وجود دارد که بعضی از آن‌ها مخصوص خود شاه و بعضی دیگر مخصوص خواهرها و برادرها و بچه‌های او بوده است.»

سپس، مردم برای تماشا به داخل یکی از ساختمان‌ها رفتند. تالارهای وسیع و چلچراغ‌های بزرگ و مبل‌ها و میزها و فرش‌های گران‌قیمت چشم همه را خیره کرده بود. ظرف‌های غذاخوری و قاشق‌ها و چنگال‌ها از طلا و نقره بودند.

مجسمه‌های کوچک و بزرگ زیادی دیده می‌شد که بیشتر آن‌ها از مرمر و طلا بود.



داخل کاخ سبز



تابلوهای نقاشی گران قیمت همه جا روی دیوارها به چشم می خورد. راهنما می گفت که گچ بُری سقف یکی از تالارها، چندین سال طول کشیده است. در یکی از تالارها فرش بسیار بزرگی بود که خیلی ظریف بافته شده بود.

راهنما توضیح داد: «خانواده‌ی سلطنتی این کاخ‌ها را از پول ملت محروم ایران می ساختند تا سالی چند روز در آن‌ها استراحت کنند اما بسیاری از مردم کشور ما و مخصوصاً روستاییان زحمت کش، خوراک و پوشاک و حمام و مدرسه و راه و درمانگاه نداشتند.»

مادر بزرگ به علی و مریم گفت: «شما بچه‌ها نمی دانید که خانواده‌ی سلطنتی چه ظلمی به مردم می کردند. همه‌ی این کاخ‌ها و ثروت‌ها را با زور به دست آورده بودند. خدا را شکر که نظام شاهنشاهی سرنگون شد و در کشور ما حکومت جمهوری اسلامی به وجود آمد.»

جواد آقا گفت: «رهبری امام خمینی ما را از شرّ این ستم کاران نجات داد. امام خمینی همیشه از محرومان حمایت می کردند و یک بار در ملاقات با مردم محروم فرمودند: یک موی شما بر همه‌ی آن کاخ نشین‌ها ترجیح دارد.»

مریم گفت: «حالا می فهمم آن شهیدانی که مزار آن‌ها را در بهشت زهرا دیدیم، برای چه شهید شده‌اند. آن‌ها جان خود را فدا کردند تا این ستم کاران غارتگر را از کشور ما بیرون کنند و به جای حکومت شاهنشاهی، حکومت اسلامی به وجود آورند. اکنون وظیفه‌ی ماست که جمهوری اسلامی را حفظ کنیم.»



## پرسش‌ها

- ۱- دیدن موزه چه فایده‌ای دارد؟
- ۲- در موزه چه چیزهایی نگهداری می‌شود؟
- ۳- خانواده‌ی سلطنتی ثروت خود را چگونه به‌دست آورده بودند؟
- ۴- امام خمینی در ملاقات با مردم محروم چه فرمودند؟
- ۵- شهیدان انقلاب اسلامی جان خود را برای چه فدا کرده‌اند؟



## فعالیت در کلاس

- ۱- آیا در محلّ زندگی شما موزه‌ای وجود دارد؟ نام آن چیست؟ چه چیزهایی در آن نگهداری می‌شود؟ چرا؟
- ۲- به همراه معلم یا پدر و مادر خود به دیدن یکی از موزه‌های محلّ زندگی خود بروید و آن‌چه را دیده‌اید، در کلاس تعریف کنید.